

تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دلیل بر
اختلاف وظایف آنهاست نه دلیل بر نقص آن و کمال این!

تفاوت

یا

تساوی

کامل خیر خواه

همه جا تساوی برقرار باشد و بر حسب شرائط
وجود مصالح ، تفاوت را لحاظ نکنیم ، آشی از
مساوات خواهیم بخت که دهان همگی مان را
بسوزاند .

آیا تفاوت انگشتان دست که سبب می شود
هر کدام وظیفه خاصی را انجام دهند دلیل بر
تبعیض یا عدم عدالت است ؟

تفاوت میان زن و مرد همین گونه است .

تفاوت‌ها

بیگمان کسانی از تفاوت بین زن و مرد وحشت
دارند که راز آن را به درستی نشناخته اند آنان
تصور می کنند اصل عدالت ، ایجاب می کند که
زن و مرد در جمیع جهات باهم مساوی باشند .

گفتیم از نظر معارف منطقی اسلام ، زن و
مرد دو موجود متساوی از جهت حقوق انسانی
هستند . اما یاد آور شدیم که تفاوت‌هایی طبعاً و
فطرتاً بین آن دو وجود دارد که قابل انکار نیست
و همین تفاوت طبیعی ، موجب تفاوت زن و مرد
از لحاظ وظایف اجتماعی و حکم و حق
اسلامی در چند مورد شده است .

گرچه عده‌ای از مردم مخصوصاً بعضی
از روشنفکر نماها از تفاوت حتی از شنیدن کلمه
تفاوت هم سخت رنج می برند و چنین می پندارند
که تفاوت همانند تبعیض نشانه بی عدالتی است
و از هر منشائی و یادر هر موردی جریان یابد
برابری است با مسم و بی دادگری ! در حالیکه اگر

برابری مطلق بین آن دو، برخلاف فطرت و منطق و حتی مصلحت آنان نیست ؟

* * *

مادر اینجا به برخی از تفاوت های زن و مرد

که سنت خلقت بین آن دو برقرار ساخته و کاوشگران علوم گوناگون، آمارگران و به ویژه محققان مسایل حقوقی و روانی آن را کشف کرده اند اشاره می کنیم .

مرد بطور متوسط درشت اندام تر است و زن کوچک اندام تر، اغلب قدمرد بلندتر و قد زن کوتاه تر است. مرد خشن تر است و زن ظریف تر .

رشد بدنی زن سریع تر و تندتر و رشد جسمی مرد کندتر صورت می گیرد. زن زودتر از مرد به مرحله بلوغ می رسد و زودتر از مرد هم نیروی تولیدش را از دست می دهد. مغز متوسط مرد از مغز متوسط زن بزرگتر است .

از لحاظ روانی نیز، زن و مرد با هم تفاوت. هائی دارند از جمله : میل مرد به ورزش و شکار و کارهای پر حرکت و جنبش بیشتر از زن است . به قول فیلسوف و علامه شهید مرحوم مطهری احساسات مرد مبارز و رزی است در حالیکه احساسات زن صلح جویانه و بزمی است . مرد متجاوزتر و زن آرام تر است . زن از توسل به خشونت درباره دیگران و خود بیشتر پرهیز می کند و به همین دلیل خودکشی در میان زنان کمتر از مردان انجام می گیرد .

احساسات و عواطف زن از مرد جوشانتر و هیجانات او نیز از مرد بیشتر است. زن در

در حال، چنانکه خواهیم دید رعایت اصول عدالت با توجه به ضرورت های خلقی اقتضاء دارد میان زن و مرد در برخی از موارد تفاوت باشد .

خوشبختانه یا بدبختانه مسأله مساوات بین زن و مرد به صورتی که اکنون مطرح می گردد، از ره آوردهای قاره اروپا است. اروپا و غرب پس از جنگ های جهانی و پیدایش یک سلسله حوادث و تحولات اجتماعی؛ زن را که از نظر حقوق انسانی محروم بود وارد صحنه زندگی اقتصادی و سیاسی کرد .

گویادر آغاز از آوردن زن به صحنه سیاست و اقتصاد، هدفی جز کمک به جامعه و سهم کردن زنان در وظائف اجتماعی چیز دیگری نبود، ولی دیری نپایید که زن در این سرزمین و همچنین در غرب، شخصیت و حقوق انسانی خود را از دست داد و بیشتر در جهت لذت های جنسی و بهره کشی های شهوانی و مادی مردم مورد استفاد قرار گرفت !

تعجب در این است که غرب و اروپا (چنانکه گفتیم) روزگاری دراز زن را از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم ساخته بودند، اینک حتی قضاوت تکلیفی قلیلی که بازتاب تفاوت های طبیعی بسیاری میان آن دو می باشد انکار نموده و نادیده می گیرند. آیا تفاوت زن و مرد را از جهت ارگانیک بدن و خصوصیت های روحی و عواطف انسانی می توان نادیده گرفت؟ آیا با توجه به تفاوتی که دستگاه آفرینش بین زن و مرد برقرار نموده، تلاش بیجا، در جهت ایجادیک

به بیانی دیگر ، قانون خلقت ، تفاوت‌های زن و مرد را به منظوری چون منظور اختلاف میان اعضای يك بدن ایجاد کرده است همانگونه که سازمان آفرینش ، هریک از گوش ، چشم ، دست و پا را در وضع خاصی قرار داده و برای هر يك وظیفه مخصوصی معین کرده است که در این وضع خاص و تعیین طبیعی وظیفه به هیچ وجه تبعیض و امتیاز منظور نبوده ، در تفاوت بین زن و مرد نیز تبعیض و امتیازی منظور نیست .

مساوات مطلق عین ظلم است

با توجه به تفاوت‌های جسمی و روانی و عاطفی که بین زن و مرد وجود دارد آيا می‌توان همه جا و همه وقت ، تکالیف ، حقوق و مسئولیت‌های آنان را (البته غیر از حقوق انسانی که برای همه کس در همه وقت هست) برابر دانست؟ آیا مساوات مطلق با وجود تفاوت طبیعی تعدی ، در حق زن و یا مرد نخواهد بود؟

همانطوریکه وظائف و مسئولیت‌های چشم را از گوش خواستن ، خلاف عقل و عدالت و عین جهل و ظلم است ، انتظار اینکه زن را در جای مرد و یا مرد را در مقام زن در همگی امور قرار دهیم و مسئولیت‌های هر کدام را در موارد خود به دیگری بسپاریم و به اصطلاح مساوات ، بین آن دو برقرار سازیم برخلاف عدل و عقل ، عمل کرده ایم .

عدالت این نیست که برای تمام زن و مرد و یا حتی برای تمام مردان در همه امور در تمام شرائط به دلیل رعایت مساوات تکلیفی یکسان

اموریکه مورد علاقه یا ترسش هست زودتر و سریع‌تر تحت تأثیر احساسات خود قرار می‌گیرد ولی مرد خون سردتر و روحش در این موارد آرام‌تر است .

این‌ها نمونه‌ها و موارد دیگری (۱) مانند آنچه گفتیم مخصوصاً در زمینه احساسات آن دو نسبت به یکدیگر به خوبی نشان می‌دهد که سازمان خلقت در زن و مرد به اقتضاء مصالحی که اکثر از وجود آن بی‌خبرند ، تفاوت‌هایی قرار داده است .

* * *

چیزی که در این جا باید مورد توجه قرار گیرد تا موجب خطا و انحراف نشود این است که بسیاری از مردم می‌پندارند این قضاوت‌ها دلیل نقص زن یا کمال مرد است و این همان تبعیض دردآوری است که عقل و منطق آن را محکوم می‌داند . در حالیکه اگر درست مساله را تحلیل و بررسی کنیم می‌بینیم غرض از خلقت ایجاد تفاوت طبیعی بین زن و مرد این نیست که یکی بر دیگری فضیلت و امتیاز داشته باشد . خیر! اصلاً مساله مزیت مطرح نیست و بلکه هدف از تفاوت ایجاد یک زمینه مناسب و طبیعی برای تجاذب و کشش دو جانبه است که در این جذب و تشریک طبیعی هریک وظیفه و مسئولیت خویش را با هدایت فطری درک نموده و انجام دهد تا از این رهگذر ، در صورت عمل به مسئولیت‌ها جلوی اختلافات گرفته شود و بنیاد خانواده استحکام بیشتری پیدا کند .

(۱) برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به کتاب نظام حقوق زن در اسلام نوشته محقق

شهید و اسلام شناس بزرگ مرحوم مطهری .

قائل شویم و حقوقی برابر بشناسیم .

مثلاً اگر دو میهمان با وجود تفاوت طبیعی در کم و زیاد خوردن غذا، سفره يك انسان عادل بنشینند آیا صحیح است میزبان مسلمان به استناد اصلی عدالت و اجرای مساوات، به آن کسی که باید بیشتر بخورد و بگوید کمتر بخورد و یا آن کسی که نمی تواند بیشتر بخورد دستور دهد که باید مانند آن دیگری بخوری تا مساوات رعایت شود و برخوان میزبانی من عدالت و مساوات برقرار گردد ؟ شکی نیست تحمیل در هر دو طرف قضیه برخلاف عدالت بود و مساوات در چنین شرایط عین ظلم است .

بدینسان می بینیم اگر اسلام اختیار طلاق را (که منفصلاً از آن بحث خواهد شد) به جهت وجود مصالحی منطقی، به دست مرد نهاده آیا صحیح است چنین اختیاری هم به بهانه مساوات به دست زن نیز گذارده شود ؟

آیا مساوات در این مورد با وجود تفاوت های طبیعی که از نقطه نظر روانی و عاطفی بین زن و مرد هست دردی از جامعه انسانی دوا می کند و مشکلی از گرفتاری های خانوادگی راحل خواهد کرد ؟ یا بعکس به خاطر انفعال شدید زن و احساسات سرشار او بر دردهای جامعه افزوده و مشکل خانواده ها و طلاق را مشکل تر خواهد کرد ؟

ما نمی دانیم چرا برخی از با اصطلاح روشنفکران و نویسندگان ، اصرار دارند در تمام مسایل و احکام اگر رنگی « و صبغه » ای از غرب بنباشد اشکال تراشی و خورده گیری کنند و آن را غیر منطقی یا احياناً ظالمانه قلمداد نمایند

این گونه داوریهای عجولانه و نسنجیده علاوه بر ناآگاهی ، تنها يك علت دارد و آن خود باختگی و غرب زدگی است این غرب زدگی مصائبی نیست که برای ملل اسلامی عموماً و برای ملت مسلمان ایران خصوصاً بیارنیاورد باشد .

از این رو بحق سزاوار است که رهبرانقلاب در اغلب بیانات و روشنگرانه خویش از بلای خود کم بینی ملل اسلامی و در غرب زدگی توده ها سخت بنالد .

نشانه های بی اطلاعی از فلسفه احکام اسلامی و نمونه های روشن غرب زدگی را در همه امور، اخیراً بخوبی دیده و لمس کرده ایم در کانون و کلا دیدید چگونه آن خانم ناآگاه و غرب زده به استناد اصل مساوات بین زن مرد مدعی بود ، همانگونه که زن عده ای وفات می گیرد چرا نباید مرد هم عده ای وفات بگیرد

لایه ها اگر توجه داشت بایست می گفت چرا مردان نیز در هر ماه نباید مانند زنان وظائفی که دوا یام « رکل » دارند داشته باشند !!

اینها هستند خرده گیران و نقد نویسندگان بر احکام اسلام ! ؟ و این گونه تحلیل ها و داوریه ها در چنین مسایل اساسی اسلام است که خطر انحراف در پی دارد . بساید ملت مسلمان مانند گذشته پیوند مذهبی و ملی خود را با مراجع دینی به ویژه در موقعیت فعلی با رهبرانقلاب که حافظ منافع مادی و پاسدار ارزشهای اصیل اسلامی او هستند پیش از پیش محکمتر سازد و راه هرگونه توطئه و نفوذ دشمن را در خود به شدت ببندد .